

1 چون خداوند سعادت گذشته را به صهیون بازگردانید، همچون کسانی بودیم که خواب می‌بینند. 2 آنگاه دهانمان از خنده پر شد، و زبانمان از سرود شادمانی! آنگاه در میان قومها گفتند: «خداوند برای ایشان کارهای عظیم کرده است!» 3 آری، خداوند برای ما کارهای عظیم کرده است، و ما شادمان گشته‌ایم! 4 خداوند، سعادت گذشته را به ما بازگردان چون چشمه‌ساران در بیابان! 5 آنان که با اشکها می‌کارند، با فریاد شادی درو خواهند کرد! 6 آن که گریان بیرون می‌رود و بذر برای افشاندن می‌برد، با فریاد شادی باز خواهد گشت، و بافه‌های خود را خواهد آورد!

جامعه عزیز

در ماه نوامبر فانی بودن طبیعت و مرگ در هر کجا دیده می‌شود. اما در برخی مکان‌ها می‌توانیم حتی در نوامبر شروع جدیدی را حس کنیم، زیرا حتی در ماه نوامبر شروع جوانه‌ها را روی بوته‌ها یا درختان می‌بینیم. در آخرین یکشنبه سال کلیسا ی ما با همین موضوع سر و کار داریم: در مورد فانی بودن همه ی موجودات زنده و در مورد مرگ و زندگی گذرا می‌شنویم. اما نشانه‌های امیدوارکننده ای نیز وجود دارد: ما از آسمان جدید و زمین جدید و جلال ابدی در حضور خدا می‌شنویم. مزمور ۱۲۶ نیز در همین زمینه است. نگاه ما را از زمان حال و این زندگی فانی به آینده و جاودانگی هدایت می‌کند.

مزمور ۱۲۶ با عنوان: «سرود زیارتی» عنوان شده است. در این صورت ما از قبل نشانه ی خوبی از کل مزمور داریم: به احتمال زیاد سرود زیارتی برای ورود به معبد اورشلیم بود. مردم به آنجا می‌رفتند تا در پیشگاه خدا ظاهر شوند، تا نزد خدا باشند. و با شادی در مراسم خانه ی خدا شرکت می‌کردند. جاهای زیادی در مزمور وجود دارند که دعا کننده، آرزوی حضور در معبد و با خدا بودن را اظهار می‌کند.

این مزمور ۱۲۶ مانند برخی از مزامیر دیگر فقط یک سرود زیارتی برای اورشلیم نیست بلکه به عنوان یک آهنگ زیارتی در راه اورشلیم بهشتی درک می‌شود. و اکنون به خود اجازه می‌دهیم که کاملاً در عمق این مزمور غرق شویم. بیایید به سادگی به پیام جلال زندگی ابدی گوش دهیم:

«چون خداوند سعادت گذشته را به صهیون بازگردانید، همچون کسانی بودیم که خواب می‌بینند.»

وقتی تجربیات بسیار شگفت‌انگیزی داریم، ابتدا از خود می‌پرسیم: "آیا این واقعیت است، یا من فقط آن را خواب دیدم؟" در ابتدا باور نمی‌کنیم آنچه می‌بینیم و می‌شنویم ممکن است. و تعجب ما در موضوع زندگی ابدی شدیدتر خواهد بود زیرا: «هیچ چشمی هرگز چنین شادی را احساس نکرده است، هیچ گوشی چنین شادی را نشنیده است!»

ما نمی‌توانستیم از قبل تصور کنیم شکوه ابدی چگونه خواهد بود. ما مانند افرادی خواهیم بود که از اسارت آزاد شده‌اند و اکنون فوق العاده خوشحال هستند. آنها شادی جدیدی را مانند رویا تجربه می‌کنند. در این زمان حبس واقعا به پایان خواهد رسید.

در واقع منظور چه نوع حبسی است؟ مزمور نویس در مورد چه چیزی صحبت می‌کند؟ شاید در زمان اسارت بنی‌اسرائیل در تبعید به این فکر می‌کرد که وطن آنها بسیار دور است. در این میان فرزندان و نوه‌ها خارج از کشور خودشان بزرگ شده بودند و دیگر وطن خود را ندیده بودند. آنها حتی نمی‌توانستند تصور کنند زندگی بدون حکومت بیگانه، زندگی بدون تهدید و خشونت، بدون گرسنگی و محرومیت

چگونه است. آنها نمی دانستند چگونه بایستی در معبد دعا کنند. آنها زندگی در اسارت را تنها با ترس و بدون آزادی می شناختند. در این شرایط چگونه باید تصور می کردند که دیگر اسارت و تهدید وجود ندارد؟

در مورد ما هم همینطور است: هیچ یک از ما نمی توانیم تصور کنیم که زندگی در شکوه ابدی چگونه خواهد بود. زیرا همه ی ما فقط زندگی در اسارت را می شناسیم: ما هر روز تهدید به مرگ می شویم، هرگز مطمئن نیستیم که آیا پایان روز را خواهیم دید یا خیر. هر روز مورد تهدید شیطان و گناه هستیم و امیدی به رهایی از این قاعده نداریم. این گونه است که هر فردی در اسارت زندگی می کند - حتی اگر بزرگترین و خوشبخت ترین فرد جهان باشد، در زندگی خود گرفتار شده است - تولد و مرگ را دیگری برای او رقم می زند. عظمت دنیوی و سعادت زمینی را می توان در لحظه ای از او گرفت.

خدا می خواهد ما را از این اسارت نجات دهد. این مانند یک رویا خواهد بود: «دهان ما پر از خنده و زبان ما پر از فخر خواهد بود.» خواهیم گفت: «خداوند کارهای بزرگی برای ما انجام داد. ما خوشحالیم!» این سعادت نجات یافتگان است. ترجمه بهتر این است: "که خداوند اسارت آنها را برگردانده است"، سرنوشت آنها برای همیشه کاملاً به سوی آزادی باشکوه فرزندان خدا چرخیده است. این هدفی است که خدا می خواهد ما را به آن برساند. این هدف ایمان ماست: شادی و شکوه ابدی.

در این مرحله مزمور ۱۲۶ شامل دعای کوتاهی است. این صرفاً درخواستی از خداوند است که ما را به این هدف برساند:

«خداوندا، سعادت گذشته را به ما بازگردان چون چشمه ساران در بیابان:»

ما این آرزو را درک می کنیم. اما نکته پنهان در نوشته چیست: «مثل نهرها در بیابان»؟ در این صحرای داغ در جنوب اسرائیل، هیچ نهر آبی نیست. و با این حال خدا می تواند معجزه ای انجام دهد: او می تواند رودخانه ها را در خشکی جاری کند. این فکری است که در آن زمان هیچکس نمی توانست تصورش را کند! آب در بیابان - می توان به یک رویا، یک سراب فکر کرد. معنی این دعا این است که خداوند، بگذار آنچه که اکنون برای ما انسان ها سراب به نظر می رسد به واقعیت تبدیل شود: اسارت ما را برگردان، ما را به زندگی ابدی برسان!»

ارتباط بین زندگی اکنون و ابدیت برای آخرین بار در این مزمور ترسیم شده است: «کسانی که با اشک می کارند، با شادی درو خواهند کرد.» می روند و می گریند و دانه هایشان را می پاشند و با شادی می آیند و قفسه هایشان را می آورند. برای فهمیدن این موضوع، باید دانست که کاشت و درو در آن زمان، زمان غم بود. زمان کاشت را زمان عزاداری می دانستند: بذرها را در زمین پراکنده می کردند و در زمین دفن می کردند. و طبق دیدگاه آن زمان - سپس دانه ها در زمین می مرد. عیسی همچنین در عهد جدید می گوید که دانه ی گندم در زمین می میرد اما پس از آن: گیاه جدیدی از دانه ی مرده رشد می کند. زندگی جدید به وجود می آید، خیلی بیشتر از یک بذر. به همین دلیل است که مردم در آن زمان، زمان برداشت محصول را به عنوان زمان شادی تجربه می کردند: مردم ساقه ها را می بُریدند، آنها را به صورت دسته در می آوردند و سپس با شادی آن ها را به خانه می بردند.

کاشت و برداشت در مزمور به عنوان مثال استفاده شده است تا به زندگی حال و ابدی اشاره کند: زمان حال ما زمان کاشت است. دورانی پر استرس در اسارت است که با بیماری ها و سختی های مختلف، با درد و گریه، مرگ و تهدید همراه است. اما حتی در این زمان نیز امید وجود دارد. کشاورز انتظار زمان برداشت را در طول فصل کاشت دارد. ما هم همین طور: ما منتظر زمان برداشت، برای زمان شادی هستیم. بله، این مقایسه کاشت و برداشت می خواهد حتی بیشتر بگوید: می خواهد ما را مطمئن کند که باید روی این حقیقت حساب کنیم که هر که بکار درو خواهد کرد.

این بینش از مزمور ما چندین بار در عهد جدید تکرار شده است. بارها و بارها از سختی ها و مصیبت ها، از پریشانی و رنج، از آه و اشک، از تحمل و مردن صحبت می شود. این فقط در مورد بارهایی نیست که بر دوش همه ی مردم سنگینی می کند، بلکه درباره غم و اندوه خاصی است که مؤمنان باید تحمل کنند: زیرا آنها مورد تمسخر یا آزار قرار می گیرند، زیرا به خاطر گناهانشان ناراحت هستند، زیرا شکست خود را احساس می کنند زیر کارهای خوب انجام می دهند اما به نظر می رسد که این کار ها اثر ندارند. پولس می گوید: «ما باید از طریق مصیبت های بسیار، وارد ملکوت خدا شویم.»

در یک آهنگ مسیحی از قرن بیستم، خدا چنین خطاب می شود:

"برای اینکه بتوانیم جلال تو را به طور کامل درک کنیم، تو رنج را بر ما می اندازی و ما را به مسیر تاریک هدایت می کنی."

تاریک ترین مسیر، مرگ است. اما ما همچنین می خواهیم مرگ خود را با استفاده از مثال "کاشت و برداشت" درک کنیم: قبرستان قبلا "مزرعه ی خدا" نامیده می شد. یعنی: بدن ما مثل بذر در زمین کاشته می شود. اما این کار با اطمینان و انتظار اتفاق می افتد. ما منتظر برداشت هستیم ما منتظر زندگی جدید هستیم. آری، وقتی مردم عزیز را در مزرعه ی خدا می کاریم غمگین می شویم و گریه می کنیم. اما ما انتظار رستخیز به زندگی ابدی را برای هر مؤمنی داریم. به همین دلیل است که آهنگی که ذکر شد با خدا اینگونه صحبت می کند:

"پس ما می خواهیم ساکت باشیم و به تو ایمان داشته باشیم."

زیرا ما بعد از عذاب، همه ی آسمانها را خواهیم دید.

مزمور ما می گوید: «کسانی که با اشک می کارند با شادی درو خواهند کرد و در مکاشفه می خوانیم: «خدا همه ی اشک ها را از چشمانشان پاک خواهد کرد و دیگر مرگ، اندوه، گریه و درد نخواهد بود.» زیرا که قدیمی رفته و آن که بر تخت نشسته گفت: اینک من همه چیز را نو می سازم.

این وعده خدایمان را باور کنیم! پس از زمان کاشت، او زمان برداشت را نیز خواهد آورد. او می تواند اسارت ما را برگرداند، زیرا می تواند جویبارها را در بیابان جاری کند. او می خواهد کارهای بزرگی برای ما انجام دهد. دهان ما از شادی خواهد خندید و زبان ما خدا را با شکرگزاری ستایش خواهد کرد. ما مانند کسانی خواهیم بود که رویا می بینند. ما نمی توانیم تصور کنیم که چقدر زیبا خواهد بود:

«هیچ چشمی تا به حال چنین شادی را حس نکرده، هیچ گوشی نشنیده است. ما از شادی فریاد می زنیم و برای تو تا ابد می خوانیم.»

آمین